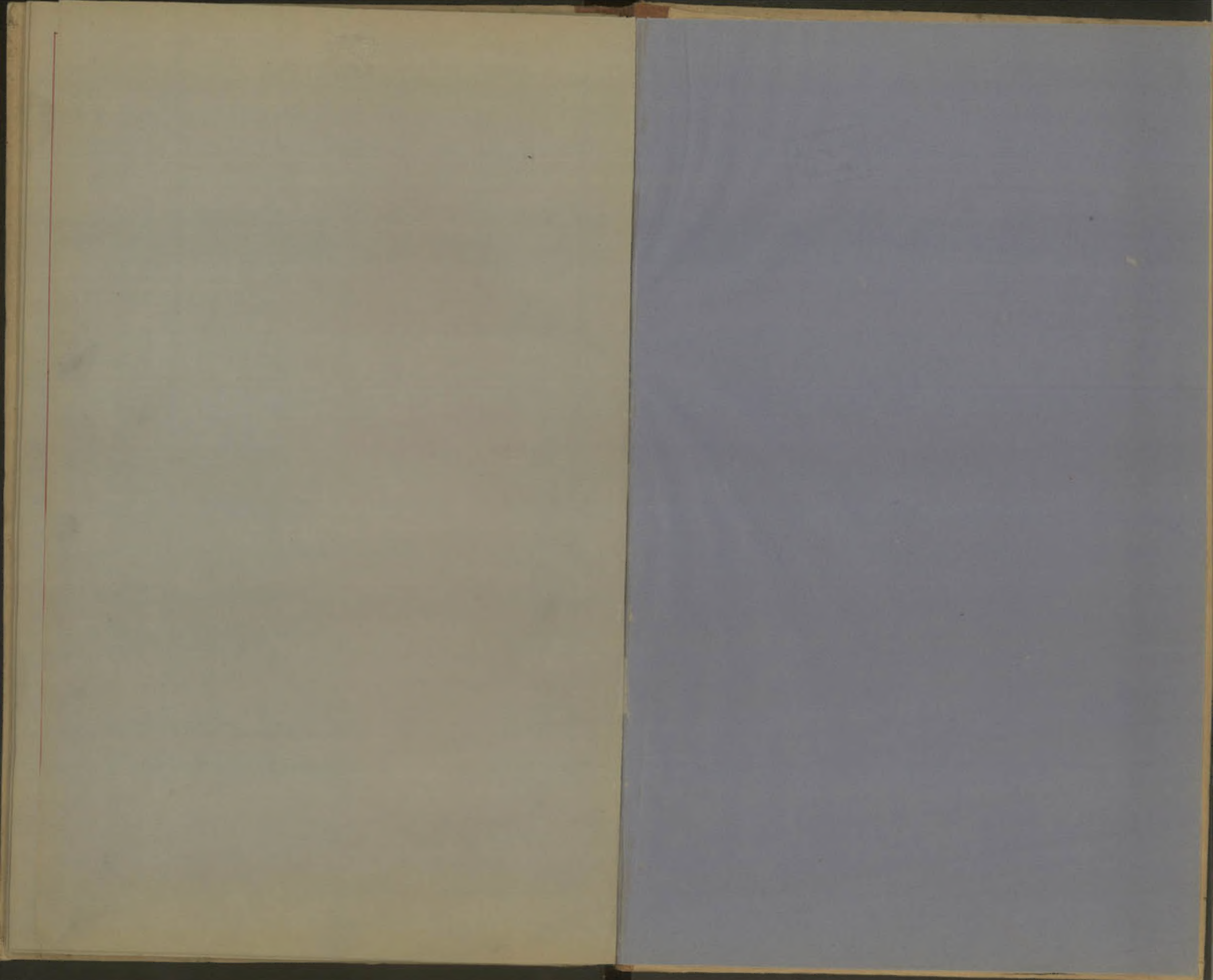

دار الترجمه خاصه همایونی

اخبار سیاسی
ترجمهٔ سید حسین شیرازی از هندی





کتابچهٔ سیم

ترجمهٔ روزنامجات هندوستان شهر ربیع الاول

احوال سودان و خیالاتی که بعضی از اهالی امکنه در باب آن خطه کرده اند

بعضی را گمان بر اینست که برای نجات یافتن از مفسدهٔ متمهدی بهترین شقوق اینست که پادشاه حبشه را با خود همراه و رام کرده و او را برای مدافعهٔ مهدی بفرستند پادشاه موصوف که الحال نیزه خود را و شهر مصوع واقع در کنار بحر احمر بر زمین نصب کرده و نشسته است هرگاه مشار الیه را متعرض نشوند محتمل است که برای مدافعهٔ متمهدی کوتاهی نماید .

در واقع مملکت سودان جائی نیست که بتوان از و صرف نظر کرد بجهة اینکه اگر یکوقتی جادهٔ راه آهن از سواکن الی بربر کشیده شود فواید کلی بخزانهٔ

مصر خواهد رسید — چه مطلب مذکور خیلی سهل و آسان خواهد بود که مردمان در بارهٔ تسخیر سودان خیال کرده اند .

در هر گوشه و محفلی اینگونه سخنان در میان هست که آیا حل این مشکل بر ذمهٔ که خواهد بود خدیو مصر باید رفع این داهیه را نماید یا دیگران .

اما مهدی سودانی که این مطلب را از جمله فرایض منصبی خود قرار داده است که تکذیب کنندگان او را در میان دریا غرق نمایند و اینهم بقیاس در آمده است که در طرف جنوبی مصر چه قدر مردمان ساده لوح موجود است و تمام آنها را مهدی بطرف خود خوانده است .

(جنرال وود) با سپاه ابو الجمعی خود یا اعراب بادیه نشین تابعه حکومت مصر میتوانند که ترقیات متمهدی را از حدود شمالی مصر برطرف نمایند یا آنکه در چنین وقتیکه مهدی در تمام خطهٔ سودان استیلا یافته است عمل ممالک افریقیه بصلح و مصالحه مبدل گشته و آنحدود با بوسیلهٔ امن و امان خواهد شد — آیا اکابر و اشراف از اهالی مصر و صورتیکه مشیر

و مشار طایفه نصاری باشند و حلقهٔ اطاعت خدیو مصر در حلق خواهند
شد و طوق بندگی اهل طلب را زیب گلوی خود نمایند .

آیا ممکن است که اهالی الجزایر و تونس این تقدمات و تصرفات مهدی
سودانی را غنیمت شمرده مجدداً با دولت فرانسه بنای مخالفت را گذارده
یک فتنه و فساد عظیمی بر پا کنند - سؤالات مذکوره فوق را جواب
شافی و کافی دادن آسان نخواهد بود .

الغرض اگر این مهدی موعود همین محمد احمد سودانی است پس دایره خلافت
باختتام رسیده در این صورت سلطان عبدالحمید خان را لازم می‌آید
که لشکر و سپاه خود را برداشته و بطرف سودان رفته در مقابل مهدی
بدلیل و برهان حقوق خود را دعوی نماید - نظر بانقلابات حالیه
مملکت سودان هیچ گمان میرود که اگر دولت انگلیس فقط بر نظام شمالی
مملکت مصر باقی بماند و از محل خود تجاوز نکند پس برای مداخله دولت فرانسه
و روانگی افواج عثمانی بطرف ممالک افریقیه موقع خوبی بدست خواهد آمد

الحاصل کسانیکه از وضع و حالات ممالک شرقیه اطلاع کامل دارند میگویند
که برای مضمحل ساختن مهدی و شکست دادن وی ظ باعتبار مشارالیه علاجی غیر از
این نیست که بر او غالب شده و شکست فاحشی باو داده شود .

نامه نگار سینت جیمس گازت مینویسد اینکه صاحب روزنامه (لندن
دیلی نیوز) در مقام پند و نصیحت رای میدهد که در باب گذشتن از مملکت
سودان یک مشورتی لازم دارد و خیلی قابل تأمل و تفکر است .

عربی پاشا هنگامیکه علم بغی را بر افراشته بود در هیچ یک از جنگهای خود
فتحی نصیب او نشد لیکن مهدی سودانی تا کنون پنج نوبت فتح و ظفر
یافته است - عربی پاشا سرکرده جمعی از سپاه جبان مصری بود لیکن
متابعین مهدی شجاعان بربر است - سپاه متعلقه بعربی پاشا چهل هزار کس
بود و اکنون جمعیت مهدی تخمیناً سیصد هزار نفر است .

پس معلوم میشود که بموجب اخبار نبوی در این اختتام مائه سیزدهم مهدی
موعود ظهور کرده باشد - از جمله فتوحات متمهدی یکی فتح شهر العبید است

که در واقع بسیار شباهت دارد بغلبه وظفرهائیکه در ابتداء اسلام بر طوایف
نصاری واقع شد مانند غزوهٔ (یرموک) که برای خالد بن ولید فتح نمایان
حاصل گردید — آیا در این ابتدای مائهٔ چهارده برای مهدی سودانی نیز همان
نحو فتح و فیروزی برای او حاصل شده است یا نه — خبر فتح و نصرت
مهدی سودانی بمکه و دمشق نیز رسیده است و قلوب اهالی آنجا هم بهیجان
آمده است و عنقریب این خبر نصرت و فیروزی به (قیروان) و (بغداد) خواهد
رسید — پس در این صورت از جملهٔ مسائل دقیقه که در مقابل ما هست همین است
که سودان را چه نحو باید تسخیر کرد بلکه عجالتاً متحیر هستیم که حفاظت انگلیسهای
مقیمهٔ در قاهره و اسکندریه چگونه خواهد شد .

از قرائن بسیار قریب مینماید که این مقتدای اهل اسلام با طوایف نصاری
مقابل شود در حالتیکه جمعی از حبشیان جانباز که عرق اسلامیت ایشان
بحرکت آمده بهمراه او میباشند — بدلیل آنکه روی دادن قتل و غارتهائیکه
در مآل در این خطهٔ مثلثه طرف راست رود نیل مانند (طرابلس) و (شام)

وغیره اندیشهٔ آن میرود آیا در آن گیرودار اهالی نصاری بچه تدبیر برای
خود ایمنی حاصل خواهند کرد — پس در این صورت قبل از وقوع امر باید
تدبیری بکار برد — الغرض پس از آنکه نامه نگاران مزبور این مضامین را
درج روزنامهٔ خود نمودند ثانیاً همین مطلب مسطوره در ذیل را هم در نمرهٔ دیگر
روزنامهٔ خود طبع و نشر نموده اند — ما هاکه در نمرهٔ سابق خود یک
کاغذی اجمالاً درج اخبار کرده بودیم مقصود ما از اندراج آن مضامین پریشانی
حواس و مضطرب ساختن مردمان نبود بلکه غرض اصلی این بود که
قبل از وقوع مصائب مذکوره باید که بند و بست کافی و محکمی نمود تا بآن
بلایا مبتلا نشویم — زیرا که قول تمام مسلمانان بر اینست که سبب دوام
این قدرت و شوکت و استعداد مهدی برای اینست که مشارالیه حامی
دین پیغمبر ماست و برای تقویت اسلام شمشیر میزند آثاری ما بر اینست
که ولو آنکه چند روزی میگذرد که صدق و کذب مشارالیه بر تمام عالم منکشف
خواهد شد لیکن عجالتاً که ضعف و زوال و محض همان مطلب مذکور نوشته شده است

در ماه سبتامبر گذشته تمام حقیقت حال این مهدی و عقاید مسلمانان را
درباره ظهور مهدی موعود در یک رساله موسوم به (بلاک کود) درج نمودیم
و مختصر آنرا بر طبق عقاید مسلمانان مجدداً در این مقام ذکر مینمائیم تا بر اهل
اسلام مستور نماند و آن اینست - بموجب اخبار و احادیث اهل اسلام
مهدی موعود از سمت جنوب نباید ظهور کند بلکه از طرف مشرق ظاهر
خواهد شد و در شهر حلب یکفتح نمایانی مینماید - در روایت دیگر در باب
ظهور مهدی موعود مینویسند که باید مهدی در سمت حجاز ظاهر شود .
پس درینصورت از عموم اهل اسلام سؤال میکنیم که آیا سند این کتب اخبار
و احادیث شما مصدق و نص حدیث است یا نه - پس هرگاه این روایات
مذکوره مطابق است با عقاید ایشان درینصورت لازم بل واجب است
بر علما و رؤسای ملت اسلام چه از قسطنطنیه و چه قاهره که یک اعلان نامه
مبسوط و مفیدی بر تمامی مسلمانان هر دیار و امصار از شام و مصر و عرب
و شمالی افریقا بدهند که این مهدی سودانی مهدی موعود نیست که بشارت

آنرا حضرت نبوی داده است تا مسلمانان از این عقیده که درباره مهدی
سودانی دارند منحرف شوند .

بشارت نامه تخت نشینی پادشاه دکن

این مضامین را نواب بشیرالدوله وزیر عدلیه مملکت دکن در جریده
غیر معمولی دولت مطبوعه خود بموجب حکم فرمانفرمای هندوستان
اعلان و انتشار نموده است

الحمد لله علی نعمائه الکامله و آلائه الشامله که ببرکت سبع مثانی و فضل
یزدانی بتاریخ پنجم ماه ربیع الثانی سنه ۱۳۰۱ هجری نبوی صلی الله علیه و آله
و سلم سال هجدهم از ولادت حضرت بندگانعالی مدظله العالی
باتمام رسیده بر وفق رسم و رواج این دولت ابد مدت و
بموجب میل و اراده دولت بهیه انگلیسیه که در همه حال مربی و خیرخواه
بلا اشتباه حضرت بندگانعالی است وارث ملک و مال و افق
مملکت را بلا تردید به اقلیم عثمان ملک داری نوباوه دودمان شهریاری

حضرت بندگان نواب میر محبوب علی خان بهادر فتح جنگ نظام
الملک آصف جاه مد ظله العالی — بر وساده حکومت آبای
خود جلوه افروز خواهند گردید همانا بجمله رعایا و برایا و عمال و
ملازمین و سرداران و صاحبمنصبان از اهل سیف و قلم و غیرهم
از جانب دولت بهیه انگلیس مژده باد .

نواب بشیر الدوله بهادر بعد از حصول این اطلاع صدر الذکر از جمله
فرایض خود دانسته که شکرگذاری التفات و عنایات حضرت قیصره
هند (کوئین وکتوریه) را مع حکام ممالک هندوستان متعلقه
بدولت بهیه انگلیس را ادا نماید زیرا که از بدو امر تاکنون در جمیع
موارد معین و حافظ ذات اقدس حضرت بندگانعالی و قیام
امن و امان ممالک محروسه سرکار عالی بوده اند و نیز شکریه تمام
صاحبمنصبان و خیرخواهان دولت خصوصاً کپتن کلارک (کلارک)
صاحب بهادر معلم حضور پرنور را ادا مینمایم که از ابتدای طفولیت

حضرت بندگانعالی در حفظ صحت و تندرستی و تعلیم و تربیت
ایشان مساعی جمیله بعمل آورده اند .
و اکنون یقین کلی است که چون حضرت بندگانعالی زمام اختیار
مملکت را در قبضه اختیار خود خواهند گرفت صلاح و فلاح ملک
و رعیت روزافزون و ترقی عدل و انصاف از حد بیرون خواهد
شد پس بر همگنان لازم است که در چنین ساعت مسعود و زمان
محمود دست بدعا بردارند که خداوند عالمیان و حاکم علی الاطلاق
زمین و زمان بر عمر و دولت فرمانفرمای ما بیفزاید و عهد حکومت
حضرت ایشان را در حق جمیع رعایا و برایا میمون و مبارک کناد
آمین ثم آمین

واقعات متعلقه بملک مدرس

تیرچناپلی در قصبه سیرنگم یک زن برهمنی یکطفل عجیب الخلقه از او
متولد شده که دو سر و دو صورت داشته یکصورت او از مقدم

و دیگری مخالف او است و هنوز زنده است که همه روزه جمع کثیری بتماشای او اجتماع مینمایند .

قصبه ویراسرم که از متعلقات ترچناپلی است یک ماده گاو که سی و هشت سال از عمرا و گذشته بوده دریک بطن پانزده بچه آورده است و خود او زنده است مالک آن ماده گاو این واقعه عجیب را برای دولت خود فال نیک داشته و آن گاو را در نهایت حفاظت نگاهداری مینماید .

رودخانهٔ کاویری - که در قرب ترچناپلی میگذرد طغیان کرده تمام مزارع آن اضلاع را غرق نموده است .

لندن نامه نگار روزنامهٔ مظهر العجایب بحیدر آباد خبر وحشت انگیزیرا از روزنامجات انگلیسی مطبعهٔ لندن نقل مینماید که شخصی موسوم به (دکتر محمد اسمعیل خان) چندسال قبل از مملکت افغانستان که وطن اصلی او بوده بطرف لندن میرود و برای مصارف و مخارج ایام تحصیل خود نیز مبلغ

پانزده هزار روپیه از وطن خود بهمراه برده پس از وصول بلندن قریب شش سال در مجلس علمی طب و در فن طبابت خود را تکمیل نمود چنانکه از دو مدرسهٔ طبی اطباء لندن که یکی از مدرسهٔ طبی دولتی و یکی از مدرسهٔ جراحی دولتی خط لیاقت نامه باو داده شده بود پس از تکمیل در فن طبابت برای امرگذران و تحصیل معاش خود کوشش نمود در ابتدا عرایضی چند برای رجوع خدمت یا ملازمت بحکومت انگلیس عرض کرد در هیچ نوبت جوابی باو داده نشد در روزنامجات و اخبارات نام و نشان و مکان خود را اعلان و اشتهار داد کسی نپرسید که چه کسی و چکاره - چون آن بیچاره از بیکاری بتنگ آمد و وجوه نقدی هم که بهمراه داشت تمام شد نوعیکه بنان شب محتاج گردید و از نداشتن مخارج راه از معاودت بوطن خود مأیوس گردید لهذا از زندگانی دنیا چشم پوشیده ممات را بر حیات اختیار کرد و شیشهٔ (پرنک اسید) که از سمومات است خریده و بمنزل خود روانه گردید بعد محضری از شرح

حال خود را بر قطعهٔ کاغذی نوشته پهلوی خود گذارد و آن دو شیشهٔ
زهر را نوشیده راه بقا را پیمود - و صورت آن شرح حال از ینقرار است
که من یکی از نجبا و اشراف افغانستان بودم هرگاه از مملکت خود
بیرون می آمدم بدون شک و شبهه بمعاونت دوستان خود
حاکم یکی از بلاد افغانستان میگردیدم لیکن تملق و منت کشیدن از
احباب خود را خلاف غیرت و حمیت دانسته در صدد تحصیل علم برآمدم
لهذا جلاء وطن اختیار کرده با مصارف گزافی در شهر لندن در علم طب و
جراحی خود را تکمیل کرده پس از آن برای تحصیل معاش در آن مملکت سعی و
کوششهای بلیغ نمودم لیکن اهالی انگلیس از آنجائیکه غیرت و حمیت
نداشتند مرا مخالف مذهب دانسته و بواسطهٔ سیاهی رنگ من بر حسب
لیاقت و موافق شأن خود از خدمت محروم ماندم نه برای من زاد و
راحلهٔ باقی مانده بود که بوطن خود مراجعت نمایم و نه برای غیرت و حمیت
خود اقتضی بود که برای مخارج یومیهٔ خود تکدی نمایم لهذا کشتن خود را بهترین

شقوق دانسته بدو شیشهٔ زهر خود را هلاک ساختم - نامه نگار مینویسد
که از این خبر غیرت و حمیت و غریب نوازی اهالی فرنگ بطور خوبی معلوم
میشود و مردمان از استماع این کلام خواهند دانست که لئامت و خباثت
و عداوت اهالی فرنگ درباره زمرهٔ اسلام تا چه اندازه است •

زبان اردو و ابتدای اختراع آن

بر دانشمندان مخفی و مستور نماناد که در ازمنهٔ سالفه زبان اهالی دهلی
که مرکز و پای تخت سلاطین هندوستان بوده هندی قدیم بوده است
که آنرا برزبان خود مهاکها مینامند و تا زمانیکه سلطنت و حکمرانی مملکت
هند در قبضهٔ راجه های با اقتدار آن دیار بود و هنوز سلاطین اجنبیه خود را
بمملکت هند نرسانیده و اهالی خارجه از اطراف و جوانب باین دیار نیامده
بودند که لغات زبان خود را با زبان هندی قدیم مخلوط کنند در زبان
اهالی هندوستان هیچ تغییر و تبدیلی نیافته بود و باینواسطه آن زبان هندی
خالص بود ولیکن پس از اینکه پادشاهان مدبر و سلاطین شجاع و دلاور اسلام

در ممالک هندوستان استیلا یافتند و برقی ساعت ملت محمدی که
جهت استحکام یافته شد و اشعه نور اسلام شبستان هندوستان را منور ساخت
و اهالی ممالک بعیده که در رکاب این سلاطین جهت ملازمت رسیده بودند
در شهر دهلی که پای تخت پادشاهان اسلام قرار گرفته بود سکونت جسته
بودند و بمرور ایام سلسله توالد و تناسل ایشان جاری گردیده و تعلقات
ایشان در مملکت زیاد شده و همین مطلب باعث پای بندی و توطن
ایشان در ممالک هند گردید ساکنین قدیمه آنجا با که باشار الیهم خلطه
هم رسانیدند زبانهای ایشان نیز با یکدیگر مخلوط شد و هر زمانیکه یکی از
سلاطین اسلام از یک مملکتی روی بفتوحات مانند سلطان محمود غزنوی
و سلاطین غوریه و سلطان تیموری و غیرهم با زبانهای مختلف باین دیار
آمده و با زبان هندی مخلوط شد تا کار بجائی کشید که زبان هندی
قدیم بحالت اصلیه خود باقی نماند و با زبانهای غیر ممزوج گشته در لباس
جدیدی جلوه گر گردید بنحوی که از اهالی هند در اردوی سلاطین تعلق داشتند

این الفاظ مخلوطه را زبان اردو نام نهادند یعنی این زبانی که با زبانها ممزوج
شده است گفتارهای اردوی سلاطین است لیکن بمرور زمان فصحا و بلغای
هند لغات السنه مختلفه را با الفاظ هندی قدیم آمیخته و آنرا زبان اردو موسوم
گردانیدند پس از کثرت استعمال لفظ زبان نیز ساقط گردیده و همان اردو
موسوم شد . تتمه در نمره آتیه

پدرس امروز ما یک جانور دریائی عجیب و غریبی بنظر آمده است
و شکل این جانور مانند اسب است لیکن جثه اش ذرع طول او هست و مانند
گاو دو شاخ دارد و چهار دست و پا و دو پر دو شاخه هست و رنگش خاکستری است
سرداران انگلیس بیان کرده اند که تاکنون چنین جانوری دیده نشده است
نامه نگار جنوب که آن قدرت تا طرح رود کالا بعید نیست جابجائیکه آدمهای ما
و وسیر و غیره پیدا میشده جای عجب است که اینگونه عجایبات هم در دریاها
خلق گشته . امریکا یک قصبه است در کنار جاده راه
آهن در اضلاع مدرس در تاریخ پانزدهم ماه دسامبر حینی که باران میآمد

ماهیهای زنده بسیاری همراه باران بروی زمین ریخته است که مردم
آنها را گرفته و بخانه های خود برده اند .

حیدرآباد دکن

نواب نظام الملک فرمانروای مملکت
حکم داده است که یک تلگراف مخصوص در عمارات مذکوره و ساخته
شود بچند رشته یک رشته آن در خانهٔ نواب بشیرالدوله وزیر عدلیه و
پلیس و اداره انطباعات - وسلسله دیگر بخانهٔ نواب خورشید جاه
پیش دار الشوری و سلسله دیگر بخانه مهاراجه اندر راو پیشکار پادشاه
وسلسله هم بخانهٔ نواب میر لائق علیخان سر سالار جنگ وزیر اول
مملکت دکن کشیده شود تا هرگاه عرایض فوری داشته باشند فی الفور
بعرض حضور بندگانعالی برسانند .

مراسلات

مضمون مسطوره در ذیل الشخصی باداره روزنامه
حبل المتین فرستاده است .

خدمت صاحب روزنامه عین الاخبار مطبعه مرادآباد سلام علیکم
این حکایت عجیب را برای اطلاع ناظرین درگوشه اخبار خود درج نمائید
که خالی از لطف نخواهد بود - چند یوم قبل خود من بقصبه بیوند
که در اضلاع شهر اوده واقع است افتاده این قصبه اگرچه بنظر بسیار محقر
مینماید لیکن از آثار و علامات ظاهر میگردد که از شهرهای بسیار قدیم مملکت
هندوستان است چنانکه یک قلعه و یک برج بسیار عالی در اینجا است
که معلوم میشود که در یک زمانی یکی از راجه های هندوستان آنها را بنا نموده
آن قلعه مذکور در یک قطعه زمین مرتفعی ساخته شده است .
در این قلعه سه محکمه است یکی محکمه پولیس و یکی محکمه تحصیلداری و یکی محکمه
عدلیه کوچک که آنرا هندیان منصف کورت مینامند موجود است
لیکن مواضع محکمه های مذکور بسیار محقر است که گمان میبرم که در بعضی از فصول
بر اجزای محکمه ها خیلی سخت و صعب میگذرد و ساکنین این قصبه غالب
بت پرستان میباشند در اطراف و نواحی این قصبه بقدری بوزینه
دارد که مانند گربه و سگ در کوچه ها و بام خانه ها گردش مینمایند .

روزی محض تماشای قصبه موصوف از منزل بیرون آمده مشغول گردش
بودم از جمله عجایبی که مشاهده نمودم اینست که در قرب یک دکان
حلوافروشی سرای کهنه بود و آنجا بوزینه بسیار بزرگ قرمزی دیدم که با
یک سگ ماده الفت بسته بود بطریقی که آنی از او مفارقت نمیکرد
و لو با انسان ماده بهمراه جفت خود قرار داده بود چنانکه اهالی آنجا آنها را
میگویند اتفاقا در این اثنا آن بوزینه نر با آن ماده سگ جفت شد
از ملاحظه این امر بسی متحیر شدم بجهة آنکه در ازمنه سلف ما بین این دو
جانور بکلی نفاق و مخالفت بوده و الحال اینطور بر عکس سابق بنظر آمد
و تعجب کردم که خداوند ما بین این دو حیوان چگونه محبت و الفت افکنده
که بوزینه نر بدر دکاکین و خانه ها چیزی تحصیل کرده و برای ماده
سگ میآورده و در کمال نوازش باو میخوراند و اگر بالفرض کسی صدمه
بآن سگ وارد بیاورد آن بوزینه حتی الامکان در حمایت معشوقه خود
با دندان و ناخن یک جراحتی بآن شخص میزند و گاهی او را برروی زانو

گذارده و نوازش میکند و گاهی آن سگ را بر دوش کشیده
و در بازارها بگدائی مشغول میشود و اگر بالفرض آن ماده سگ بخواهد
بجائی برود فی الفور دم او را محکم میگیرد تا بجائی نرود
الغرض اهل مسلمانان این بلد بسیار قلیل اند و بالمره جاهل و نادان هستند
از قوانین اسلام و نماز و غیره هیچ خبر و اطلاعی ندارند بواسطه بهوت
آنها بطور قانون شرع کفن و دفن نمیشوند چنانکه اتفاقا یک روز
جنازه یک پیر زال مسلمه را بنظر آوردم که او را مانند جنازه بت پرستان
بر روی چهار چوبه بسته و در میان مقابر اسلام بر روی زمین گذشته
بودند همین قدر دو نفر از کسان متوفیه در آنجا حاضر بودند و برای یک
کسی که نماز میت بخواند انتظار میکشیدند در این بین یکنفر از ایشان
بجهة تحصیل یک نمازکننده باندرون قصبه رفت پس از مدتی مراجعت
کرد و یک پیرمرد مصری که از بسیاری کبر سن سر و گردن او میلرزید
و گاهی میافتاد و برمیخواست تا بر سر آن جنازه رسید و تنهائی مشغول

بنماز شد از مشاهده اینحال بسیار تحیر کرده بودم الغرض آن پیر مرد بعد از
اتمام نماز بنوبت رفت اجازه داد که حال میت خود را بخاک بسپارید
و از این گفته بحیرت آمده در حال ادب بآن شیخ کبیر عرض کردند که مولانا
این میت هشتاد سال از عمر او گذشته است و شما در نماز او باختصار کوشیده
هستید مانند چند رکعت دیگر هم برای مشار الیها بجای آورید از استماع
این مقالات و وضع مسلمانان این قصبه بسیار تاسف خورده و محزون
گردیدم و از بعض از بعضی شنیده شد که تاکنون بسیاری از مسلمانان در
این گوشه و کنارهای هندوستان هستند که هنوز ندانسته اند که نماز
و روزه اسم کدام چیز است و شاید هم گمان داشته باشند که اسم یکی
از غذاهای لذیذه است و حال هم میرود که بعض از علماء هندوستان
که از نماز و روزه ها هیچ بحث چنین طور با نیز امورات خود را وقف می نمایند
در هر حال در این قصبه چهار مسجد دارد که یکی از آنها مسجد جمعه است
لیکن چه فایده که هیچ وقت نماز در آنها خوانده نمیشود و از آنجمله در این قصبه یک

بقعه هست از یکی از اولیا که در سالی یکماه مردمان از اطراف و نواحی
برای زیارت بدین قصبه میآیند و تجار و سوداگران هزار هر قسم مال
التجاره آورده بمصرف فروش میرسانند و در اینجا جشن عزیزی فراهم
میآید و اهالی القصبه در همان ایام از وقت یکساله خود را احتیاج مهیا میکنند
شغل و حرفه اهالی این قصبه زراعت کاری است و غلب زراعت ایشان
برنج گرانبک میباشد و عصار خانه های متعدد دارد که روغن آنها انجا
مخصوص خریده و باطراف هندوستان میبرند میشد

احوال سودان

نامه نگار از روزنامه آوراینادمیل انگلیسی نقل مینماید که مراجعت کردن
اینکر پاشا از طرف سودان خیلی اسباب وحشت و تفکر برای ما
گردیده است خاصه از مضامین تحریرات جناب خدیو نیز که بالنسبه
مخابرات سابق مشار الیه بسیار تغییر و تبدیل بخشیده بجهة آنکه این مضامین
در وسائل اهل شیعر از جانب خدیو مصر به اینکر پاشا مرقوم داشته اند معلوم میشود

که بالمره از ایالت و حکومت سودان مأیوس میباشند چنانکه خدیو
به هیکس پاشا تأکید مینماید که از برای خدا بسیار با احتیاط حرکت کنید و در بین
کار از قدم نگذارید مگر وقتیکه یقین قطع حاصل شود که بر دشمن غالب
خواهید شد و بصورت معلوم میشود که جناب خدیو بسیار مضطرب و مشوش
الحال گردیده است بجهة آنکه ده هزار نفر از جوانان مصری که همه ایشان
مردمان دهقانی جبان بی تربیت هستند که به هیکس مشارالیه میباشند علاوه
بر ایشان افواج حبش نیز در میانه ایشان هستند اگر بخواهند میتوانند که تجارت
و داد و دهی خود را با اتباعین مستمری نمایند و لیکن از آنجائیکه دوستان و هم
جنس ایشان در تحت حکومت و اطاعت مهدی است لهذا احتمال قوی
میرود که مشارالیهم بهیچ وجه حالت منقلب نباشند که با کسان و اقوام خود جنگ
نمایند پس لااقل چند کوبا یک مشکلات عظیم با استقلال تمام که هیکس پاشا
در مقابل دارد اول آنکه سامان حرب از قبیل ذخایر و غیره و وجه نقد بقدر
کفایت همراه او نیست هیچ استعدادی ندارد که انگلیسها مقیم در قاهره از پایتخت

که هیکس پاشا و پیش دارد مشارالیه را وداع کرده باشند
سرداران و صاحب منصبان فرنگیه اروپ تبع هیکس پاشا هستند تماما از ملازمین
خدیو میباشند پس بهر دو کار علاقه تمیز و دوستی با مشارالیه خواهند
داشت خیال خاطر نه آمده و لیکن جنرال هیکس با سایر سرداران انگلیس از خاطرها
محو نخواهد شد که چه جوانهای مأمور مصری بعد دیگری بخاک هلاک افتادند
با وجودیکه با نهایت دلیری و شجاعت و استعداد کامل جنگ میکردند
اکنون اقبال زدن برای وقوع حوادث آینه بسیار امر مشکل بنظر میآید
از اعیان کردن حکومت مصر وزارت جدیده را و معنی معلوم میشود
چونکه رای ملتام انگلیس بر این قرار گرفت که بلاد و امصار یکه در سمت جنوبی
شلال دوم رود نیل است از افواج مصری تخلیه نمایند یعنی حدود مذکوره
و اگذار بسود اینها نمایند یعنی بر وزرای متقدمه ناگوار آمده استعفا نمودند
پس اکنون که در وزارت تغییر و تبدیل یافته یقین است که در وزرای
وزرای قدیم نیز خلاف کلی بهم خواهد رسید و احتمال قوی میرود که ترکی پاشا

با جمعی از متمولین و اعیان و اشراف مصر متفق گشته و کم کم از انگلیسیان
خود را مجزا کرده و کناره گیر شدند اما بنای انگلیس با هیچ یک وزارت جدید
چنین بنظر میآید که قصد جناب خدیو و وزرای او تکیه کردن بحکومت
انگلیس باشد و وزیر شدن نوبار پاشا و ترک نمودن تعلقات خود را
از قسطنطنیه و صرف نظر از منازعات سابقه فیمابین و متفق شدن جناب
خدیو با او یقین قطع حاصل است که منجر باسبابی این میشود که ریاض پاشا
با متفقین خود بنای مخالفت را با حکام انگلیس خواهند گذارد و آنوقت
همین و اسباب اختلاف و منازعه مابین اهالی و وزرای قدیم با
وزرای جدید خواهد شد

وقایع نگار روزنامه استاندرد مقیم در سواکن مینویسد که طوایف عربهای
در قرب و جوار سواکن رایت بغی و فساد را برافراشته بودند از استماع
آمدن سار تونیس پاشا اندکی وحشتناک شده قصد کرده اند که ابواب
صلح و مصالحه را مفتوح سازند تقریبا چهار هزار سپاه عرب در قاسله مسیل تا

شهر سواکن رحل اقامت افکنده اند و افواج ایلو یجی سار تونیس پاشا
نهایت دو هزار نفر است و از صاحب منصبان ایشان یکنفر سرباز ترک و یکنفر از
فنون غیر نظامی تعلیم یافته است و مابقی دیگر جمیعاً تعلیم و مشق کرده
نمیباشند و بخصوص یقین است که اگر عزم ایشان برای مقابله با اعراب
مصمم شود هرگز تاب مقاومت را نخواهند آورد و همچنین افواج پولیسیه که
از قاهره فرستاده شده اند ایشان نیز هم قابل آوردن بمیدان رزم لاقل
با بدیکانشه قواعد جنگ را ایشان بیاموزند گذشته از آن تهیه برای حمل و
نقل سامان جنگ انجا بسیار کم است و یکنفر تهیه آذوقه ایشان بالمره
ناقص و غیر موجود است اگر چه دراینجا ویا در غیره جنگ کاملی ندارد
لیکن با وجود این قلعه حراست شهر بسیار مستحکم است مگر از آنجائیکه
اغذیه این عده و ذخیره اب این افواج نیز بر روش یافته و در اینجا
نمیباشند و مانوس با غذیه انجا نیستند احتمال میرود که شهر سنکات
و قبضه دشمنان بیفتد چنانکه کلنل سار تونیس پاشا هم بقصد حفاظت

شهر سنکات . و نگاهداری آنجا از شر دشمن هم خود را برای نگاهداشت
لیکن تهیه و استعدادی فراهم آورده و در وقت که با کمک دیگر فوج
موجوده بجانب خصم روانه شوند .

وقایع نگار روزنامه دیلی تلگراف مینویسد که قواچیکه برای فتح سنکات
عازم است از این قرار میباشد یکهزار و پانصد نفر سپاه توپس . دویست نفر
فوج ترک . چهارصد و پنجاه نفر سودانی و چهارصد سوار توپچی براسه
اند جنگش خمپاره که از مقتوح آمده اند با چند نفر شتر مع آذوقه و مایه
الاغذیه بسیار . منزل اول این سپاه مذکور هفده میل فاصله
دارد که از دره کوهستان میگذرد و پس از آن تا فاصله سه میل راه باید
از میانه دره های خیلی تنگ و صعب عبور کنند و این قلیل مسافت بسیار
مخوف است که چندی قبل دویست نفر از سرباز و صاحب منصب مصری
در آن واحد بدست اعراب بقتل رسیدند که حالتا برای حرست این راه
مذکور لااقل دویست نفر سپاه کار آزموده با دو ارابه توپ لازم خواهد بود

تا این فوج با سواری از آنجا بگذرند پس از طی این مسافت بیک میدان
وسیعی خواهند رسید از آنجا تا شهر سنکات بیست و دو میل فاصله است
پس از ورود بشهر مزبور یک روز هم توقف کرده روز دوم تمام زنان
و اطفال آنجا را همراه خود برده پس از طی چهار منزل راه و طی سواکن
خواهند کرد .

سیلان

برای عرابی پاشا یک امیدواری حاصل شده است که دوباره بوطن
اصلی خود مراجعت کرده کماکان السابق بر سر خدمت خود مستقل گردد

شرایط ولوازم فتح سودان — صورت مندرجه در ذیل را
بیکر پاشا باداره روزنامه پال مال گازت ارسال داشته و مشارالیه
شرح آنرا مفصلا طبع و نشر نموده است — بیکر پاشا مینویسد که قبل از
دستور العمل معالجه این واقعات و تفتیشهای سابقه سودان لازم است
که در ابتدا سبب و جهات ظهور این مفاسد را در خطه سودان بعرض بیان
برسانم تا بعموم ناس واضح و منکشف گردد .

الحال تقریباً ده سال کامل است که وضع و حالت و آفاق مملکت سودان را
تجربه رسانیده‌ام . امنیت مملکت سودان در سنه عیسوی بدرجه بود که
اگر یکنفر مسافر در این صحرای وسیع سودان از حد شرقی الغایت غربی و
از حدود شمالی الی جنوبی از اجل مساحت میشود بدون احتیاج باسلحه حرب
برای او ممکن بود و در شبها در آن صحرای خضر و رسایات راحت و آسوده
بسر میبرد که در واقع درجه امنیت انگلند و بالفیه برابر به پارک شهر لندن
بیشتر و بالاتر بوده و حال آنکه در آن زمان خراج و مالیات مملکت سودان
خیلی زیادتر از زمان حال و باوجود اینکه نظام حکومت مصر هم مثل این اوقات
منتظم نبود استحکامی نداشت تمام رعایای انگلند و هیچ باب اطاعت
حکومت موصوفه سر نمی پیچیدند . خرطوم که پای تخت سودانست
مرکز برده فروشان و مأمن و ملجأ طوایف عرب بود و عمده مدار حکومت
و ریاست آنجا منحصر بهمین برده فروشی بود و تجار برده فروش از کناره
رود نیل تا مرکز ممالک افریقیه تردد میکردند و هر کدام در هر سالی هزارها

و بچه کرک تجربه احکام سودان میبلدند

زمانیکه اسمعیل پاشای خدیو ماضی خواست که برطبق تجویز و میل دولت
انگلیس منع برده فروشی انگلند را نماید مطلب از هر بسیار صعب و
از جمله محالات می پنداشت چنانکه برای اجرای این حکم لازم دانست که
حکومت خدیویه خود را در ممالک واقعه در کنار رود نیل محکم نماید
زیرا که اوباشان و اراذل از رعایای مصریه و بلاد متصله برود نیل تمام
آن انگلند را تاراج و ویران کرده بودند . و این طایفه اشرار
مانند افواج منظمه و تعلیم یافته مسلح و مکمل برای جنگ و جدل صحراها
و بادیه ها را موضوع شده بودند . الغرض جناب اسمعیل پاشا همت
برای این گماشت که ریشه و بنیاد برده فروشی خطه سودان را قلع و قمع نماید
و بعوض آن تجارت جدیدی در انگلند رواج دهد و اعراب بادیه نشین
بی تربیت انگلند را بجاده اطاعت خود در آورده و ایشان را علم و ادب
تعلیم کند چنانکه بالاخره ممالک مذکوره مفتوح کردید

و سرداران افواج مرسوله باز گشته و خبر در انجام خود سر بودن هم طرفی بکشند که
جنرال گاردن را قائم مقام معین کردند چونکه در سودان بعضی از انجا با اطلاع
حکام مصری در خفا بار برده فروشی میکردند بدین واسطه لازم آمد که برای
تحقیقات این مطلب جنرال گاردن را مأمور نمایند تا بواسطه احکام خدیویه
در این خطه مستحکم نماید . پس از اینکه جناب اسمعیل پاشا با نهایت ثبات
و استقلال به جنرال گاردن اقتدار کاملی عطا فرمود برده فروشان
حدود سودان بالمره از تجارت خود مأیوس گردیدند و بواسطه موقوف
شدن برده فروشی تجارت خرطوم روی بزوال نهاد .
رفته رفته تجار موصوف بنای یاغیگری را با حکومت مصر گذارده و بر افواج
ابو الحمی حمله نمودند لیکن بعد از صدمات بسیار و نقصان عظیمی که بر ایشان
رسید شکست فاحش خورده متفرق گردیدند طغیان ایشان از جوش و خروش
افتاد و یک چندی نگذشت که باز نارضایتی آنطایفه شعله ور گردیده جمعیت
و استعداد کاملی فراهم آوردند در این نوبت بر جنرال گاردن پوشیده نماند

جنرال موصوف علیه سلطان کار آزموده افواج خود را موسوم به لفظ
لیاقتی که بکمال وثبات کرده است باقی این سپاه بخاطر آن هزار فرسخ از
پس از جنگ و جدال بسیار فتح نمایانی حاصل نمودند و این قسمت ملک
دارفور که مرکز برده فروشی شده بود شامل حکومت مصر نمودند .
پس بهمین وجه مذکوره در قلوب تمام تجار برده فروشی آثار غدر و یاغیگری
جای گیر شد . هنگامیکه جناب اسمعیل پاشا از ایالت مصر معزول
شده و جنرال گاردن نیز از خدمت خود استعفا نمود و لفظ گیاسی
سابق الذکر هم فوت کرد و در حکومت تفویض توفیق پاشا گردید .
عربی پاشا علم یاغی و فساد را برپا کرده با توفیق پاشای نوجوان برهم زد
اغتشاش مصر بدرجه کمال رسید . در بین اعراب و تجار ملک
سودان که قلوب ایشان بواسطه منع برده فروشی رنجیده بود مهدی متعصب
موقع خوبی بدست آورد . از آنطرف پس از اینکه جرگه کاران مفسدین را
دستگیر کردند بعوض اینکه آنها را بجزای اعمالشان قصاص کنند باز بهشت

مشرق زمین فرستادند یعنی بانیان فساد را بجزیره سرندیب بنفی
بشهر سواکن و مقطوع جلاء وطن دادند . و همین مطلب اسباب
این شد که رعب حکومت مصر بر دلها اثر کرد و خیالات باقی مخفیه
بر غدر و نفاق باقی ماند . قوی‌تر از آن حکومت انگلیس
در باب قصاص کردن عربی پاشا و همراهان او و تبدیل نمودن بجلاء وطن
در اوقات اعراب و یاغیان غدر و سودان جای گرفت و گویا حکومت
انگلیس بو خطه چنین خبط عظیم حکومت مصر را تباه و تاراج نمود .
الغرض بکر پاشا علاوه بر این مضامین مطلب را هم مستحسن میداند که
تخلیه کردن مملکت مصر از افواج انگلیس در حالت خفیه آن این خواهد شد
که خدیو مصر را در حالت غیر محفوظی واگذارده‌اند .
الغرض چون شاید نیاکت سید حکومت مصر غیر زایده و تا حال کشته جنرال اکبر پاشا
و بعضی از سرداران از رو یاغی دیگر را اجازه داد که افواج شکست خورده
در محل الکبیر را که با قره خارج از قاعده لشکری و بد وضع بوده همراه خود

بر داشته و با سپاه مهدی مقابله نمایند این سه و از آن مذکور از
آنجا بیکه در بسیاری از معرکه‌ها فتح یاب شده بودند در میانه عوام الناس
نیز مشهور و معروف بوده‌اند .
حسن موسی نام مصری که از جمله سرکردگان اشرار برده فروش و از جمله
معتبرین تجار این حرفه بود و یک وقتی در فاتحکو بر سپاه ابو انجی
حمله نموده و گرفتار شده بود و بعد از آن بسفر حکومت مصر مشار الیه را
جلاء وطن داده باطراف سواکن فرستاده که در واقع این هم خبط عظیمی بود
الغرض عجالة که افواج مصری مراجعت اختیار کرده است .
و اهالی سنار که اندک زمانی است که آنها با کمال اطاعت
حکومت مصر در آورده‌اند هیچ اتفاق نیست که دوباره با طوایف دیگر
متفق شده و اعاده فساد شوند پس اگر در تمامی ملک سودان آتش
فساد شعله ور گردد و مهدی ظفر یاب گشته قصد مصر علیا نماید و مخلوط
و تعلق اختیار سازد آنوقت برای مشار الیه در هیچ باب زحمت و تکلفی

نخواهد بود . پس با وصف این حال در حفاظت و نگاهداری شهر
خرطوم کوتاهی نباید کرد بجهة آنکه از خرطوم بسوی مصر چهار طریق دارد
طریق اول . از بحیرهٔ قلزم یعنی از راه سویز بسوی سواکن که بتوسط کشتی
چهار روز فاصله دارد و از سواکن بسواری شتر از کنارهٔ رود نیل بمدت
ده روز به بربر خواهند رسید و این راه تقریبا دویست و هشتاد میل تمام
دارد اگرچه در تمام صحرا و بادیه های آنجا الی مبیا اعراب مخالف ساکنند
و چشمه های آب هم بسیار دور دست است لیکن از سویز الی بربر زیاده از
چهارده روز نخواهد بود و آنوقت از بربر الی خرطوم بتوسط کشتی هشت روز
راه میباشد پس بهر جهة مدت وصول از سویز الی خرطوم هفده یوم خواهد بود
طریق دوم . این راه از بحیرهٔ قلزم است تا بندر مصوع لیکن عیوبات
کلی دارد اول آنکه این راه بسیار طولانی است و دیگر آنکه بواسطهٔ اقامت
داشتن قبایل اعراب مخالف در آن سرزمین طی مسافت دارد ولیکن در صحرای
این راه سوای آب شور چیز دیگر یافت نمیشود و از ابو احمد الی بربر یکصد و چهل و سه میل

[illegible]

از کنارهٔ رود نیل فاصله دارد . پس جمله این راه از کرسکو لغایت بربر
سیصد و هشتاد و سه میل مسافت خواهد داشت اگر طوایف اعراب مقیمه
در این طریق هم بر سر مخالفت باشند در صورت اختیار کردن راه کرسکو
نیز برای سپاه مصر از جمله محالات میشود و اگر بالفرض قبایل اعراب مذکوره
با حکومت مصر موافق باشند آنوقت وصل بستان افواج مصر
میتوانند که از این راه مذکور بگذرند .
طریق چهارم . از راه رود نیل و موضع دنقله است که از جمله بلاد معظم آن
حدود شمرده میشود این راه از جمیع طرق مذکوره اسهل و بهتر است زیرا که چشمه های
آب شیرین در این راه وفور دارد و بیک دیگر بسیار نزدیک است ولیکن
یک شرط دارد و آن این است که قبلا بایستی اهالی دنقله آماده فساد نشوند
و بر حکومت مصر یاغی نشوند بیک چند فوج از لشکر مصری برداشته و تمام
حوالی آنجا را در قبضهٔ اقتدار خود درآورند مسافت قلیلی از کنارهٔ رود نیل
به بربر میتوان رسید و هرگاه در کنار هر چشمه یک قلعه بندی از فوج شود

و یک قلعه محکمی هم در محاذی بربر یعنی در سمت غربی کناره رود نیل
استوار نمایند بسیار مفید خواهد بود .
آنوقت از دنقلا به بربر و از آنجا به خرطوم حبشه هشت پاره چهار کشتی موجود
میباشد . عرب و قبایل نواحی خرطوم را با خود متفق ساختن بسیار
سهل و آسان خواهد بود . و دیگر راههای عبور و مرور کاروان
از بربر تا سواکن را که در کنار چشمه های آب واقع است حفاظت آنجا از
حمله و جنایات میباشد . و تفنگها حفاظت آنهای را محکم کردید
قراولهای مأمور نمایند دولت به توقف میتوانند رفت .
و از آنجا نقطه را از روی ما باتصال میتوانند اقامت نمود .
پس از اینکه چشمه های آب صاف خوب محفوظ شد و چاههای آنجا نیز
معمور گردید آنوقت جمعیت سواره ما از سواکن تا بربر در مدت ده روز
خواهند رسید . پس مجالی برای توجه سوی دنقلا و بربر و از
خارطوم الی قاهره برای بند و بست حفاظت راهها چنانکه لازم و واجب است

[illegible]

که پس از انجام کارها و تصرف در آوردن آبهای راه آنوقت دو
فوج سواره انگلیس با یک فوج پیاده هندوستانی باتفاق دو
فوج سواره حبشی بر کار خود مسلط خواهند شد .
توقف سپاه در سواکن بواسطه بودن آب گوارای خوب احتمال
ناخوشی و مرض در آنها میرود - این خوفیکه در دلها درباره
مهمات سودان جای گرفته است خیالی است فاسد و کلامی است
نامعقول و باید مطلب را در اذهان ضبط کرد که با اهالی مشرق
زمین باید موافق رسم و رویه ایشان رفتار نمود نه بطوریکه تا حالا
انگلیسها کرده اند - برای انگلیسها نیز دو صورت در نظر دارم
اول آنکه یا باید مردانه کمر همت به بندند و این امر خطیر را بر عهده
خود بگیرند و یا آنکه بالمره از داخله در ایالات مصر صرف نظر نمایند .
برای تجارت حبشه یک بندرگاهی لازم است چنانکه پادشاه
حبش نیز بهمین ملاحظه چندی است که نظره خود را در بندر مصوع بر زمین

نصب کرده ونشسته است دولت انگلیس با پادشاه حبش اظهار
دوستی نماید. حکومت مصر مدتی است که چند قطعه از ممالک حبشه را
در تصرف خود درآورده است پس از روی قاعده جغرافیا حدود
ممالک حبش باید تعیین شود - یعنی که بندر مصوع و قطعه
بوغوس و کیلابات و رود عتباره سرحد از برای پادشاه
حبش قرار داده شود - اکنون از کیلابات تا الی خرطوم بدون
زحمت و مشقت راهها بسیار خوب است و افواج حبشی ابو جمیع جنرال
انگلیس در کمال سرعت و سهولت از کناره رود نیل بخرطوم میتوانند
رسید - هرگاه انتظام فیمابین انگلستان و حبش در تعیین حدود
مذکوره بشود جمیع قبایل و طوایف اعراب متمرده سودان برسد تمام
ایشان نیز سر اطاعت را پیش خواهند نهاد و با حکومت مصر نیز از در
اتحاد و یکجهتی خواهند برآمد - الحاصل هرگاه بر افواج ساخلوی نقد
افزوده شود و ابتدای جنگ از آنجا قرار دهیم بسیار مناسب و مفید خواهد بود

اخبارات ممالک خارجه

هانگکانگ بتاریخ بیست و چهارم ماه ژانویه خبر رسید که اشرار
شهر مولمیو نسبت برعایای دول خارجه مقیمه در آنجا دست تعدی
گشوده اند چنانکه در یکروز تا چند نفر اشرار بر یکنفر از رعایای خارجه
حمله کرده و قصد کشتن او داشتند مشار الیه فرار بسفارتخانه دولت
انگلیس پناه برده است - حکام چینی برای انتظام و تسلیه و تخفیف
مشغول هستند .

قاهره

بتاریخ بیست و پنجم ماه ژانویه خبر رسید که جنرال گاردن امروز
با نهایت الفت با خدیو مصر ملاقات نموده و مدتی از هر دو جانب
ابواب مقالات محبت آیات مفتوح بوده جناب خدیو جنرال
مذکور را فرمانفرمای ملک سودان مقرر داشته و اختیار کامل باو
عطا فرموده است - پس از ملاقات و مقالات جنرال موصوف
روانه بطرف خرطوم گردید .

قاهره بتاریخ بیست وپنجم ژانویه خبر رسید که کلنل استوارت مع سلطان دارفور بهمراه جنرال گاردن رفته اند و جنرال موصوف تقریباً یکصد هزار تومان وجه نقد همراه خود برده است طایفه بجاری که یک طایفه بسیار بزرگ مشهوری هستند اطاعت حاکم بربر را قبول نموده اند .

قاهره بتاریخ بیست وهشتم ژانویه خبر رسید که سپاه مصری که در هفته گذشته برای رفع مفسده واقعه در نواحی نیل رفته بودند بدون حصول مقصود و مرام باز بطرف خرطوم مرجعت کرده اند . طایفه یاغیان بشرار بر سپاه مصری حمله آورده بودند لیکن پس از صدمات بسیار شکست خورده بعقب نشستند .

لندن بتاریخ بیست ونهم ژانویه خبر رسید که یکفروند جهاز آتشی موسوم به جیولو که از لندن بطرف کلکته روانه شده بود در قرب اوزین با تمام عملجات خود غرق بحر فنا گردیده است

قاهره بتاریخ سی ام ماه ژانویه خبر رسید که جنرال گاردن وارد شهر اسوان گردیده است - بیکر پاشا فردا با اتفاق چهار هزار نفر بطرف تو کار روانه خواهد شد . بیست هزار نفر از اعراب متابعین متمهدی برای سد راه و پیشرفت بیکر پاشا آماده و مهیا گردیده اند .

اخبارات تلگرافی ولایت هندوستان

بنگاله نایب الحکومه مملکت بنگاله موسوم به مستر ریورس تامس بواسطه علالت و کسالت مزاج عنقریب عازم انگلستان خواهد شد .

مدرس ایارن بنبر که سابق بر این از طرف دولت آستریا در دربار دولت فرانسه سفیر بود در تاریخ نوزدهم ماه ژانویه بتوسط جهاز آتشی موسوم به انانیر وارد شهر مدرس گردیده و در ضلع شرقیه الملک مشغول سیر و سیاحت میباشد و چند روز هم در جزیره سراندیب یعنی در شهر سیلان مهمان حاکم آنجا بوده است .

مدرس فرمانفرمای هندوستان بموجب تجویز و خواهش سپهسالار افواج ساخلوئی مدرس امضا نموده است که مرجع تمام عساکر متعلقه بملک مدرس را در شهر (انگمند) قرار دهند لهذا در اواخر ماه مارس هذه السنه ۱۸۸۴ تمام سپاه ساخلوئی مدرس را بجانب شهر انگمند نقل خواهند نمود

متمهدی از قراریکه صاحب روزنامهٔ طیمس هندوستان مطبعهٔ بندر بمبئی مورخه بیست و ششم ماه ژانویه نقل نماید که اثرهٔ متمهدی تا اضلاع شط فرات و کنارههای خلیج فارس رسیده و وسعت انتشار یافته است که بعضی از مریدان و معتقدان مشارالیه در آن بلاد آمده و مردم را بطرف دعوت میکنند چنانکه چند نفر از ایشان در بصره و بغداد و محمره و بندر لنگه وغیره بدعوت مشغولند و قلوب بسیاری از سکنهٔ بلاد مذکوره بجانب متمهدی راغب و مایل گردیده است •

کابل از اخبارات جدیده که از پیشاور رسیده است واضح شد که محمد صادق خان گماشته و با وقایع نگار روسیها که مقیم در هرات بود

این اوقات امیر عبدالرحمن خان مشارالیه را از هرات بنزد خود طلبیده بود چندروز قبل وارد کابل گردیده است و از قراریکه معلوم شده است این شخص موصوف اصلاً قزلباش است در سنه ۱۸۷۹ علیوی منوفی امیر محمد یعقوب خان بوده است •

بمبئی در هفتهٔ گذشته بیست و دو نفر در معمورهٔ بندر بمبئی بعارضهٔ وبا هلاک شده اند • حکام بمبئی یک لک و بیست هزار روپیه مقرر داشته اند که در نهایت تعجیل ادارهٔ احتسابیه تمام شهر را تنظیف کنند تا رفع عفونت و کثافت شده شاید باین تدبیر این مرض از آنجا برطرف گردد •

ترجمهٔ چاکر دو عاکوی دولت ابدآیت

سید حسین شیرازی بید چاکر جان

نثار محمد قزوینی عاشوری

منشی دارالترجمه صحه



